

گزیده‌ای از گفت‌وگو با اساتید دانشگاه پیرامون موضوع کیفیت در باز آفرینی شهری



دکتر محسن گودرزی
دکتری جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه

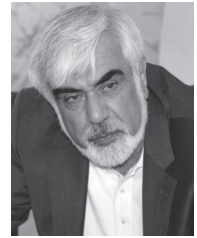
اگرچه بحث کیفیت زندگی هم‌اکنون به عنوان یک تقاضای اجتماعی مطرح شده، اما مسأله آن است که چگونه این تقاضای اجتماعی به یک اراده جمعی تبدیل و به فشاری منتهی شود که همه نهادهای ذیربط، خود را ملزم به پاسخ‌گویی به آن بدانند. به نظر من باید بیشتر بر روی صورت‌های نهادین تحقق این تقاضای اجتماعی تکیه کرد. کیفیت زندگی را نباید به منزله یک پروژه، بلکه باید به عنوان یک فرآیند دید؛ فرآیندی که باید به صورت مرتب اندازه‌گیری شود.

مطرح ساختن دغدغه توجه به کیفیت در همه ابعاد آن در رویداد جستار کیفیت در تجربه‌های باز آفرینی شهری، یادآور این نکته است که بدون استعانت از عقل جمعی و مشارکت میان‌دانشی هرگز نمی‌توان به تعریف نظری و عملیاتی مناسب از مفهوم کیفیت دست یافت و تنها راه رسیدن به اتفاق نظر در باب مقوله چندوجهی کیفیت، بهره‌گیری از نظرات همگان و پایبندی متخصصان رشته‌های گوناگون به نقد منصفانه تعاریف دیگر است. در همین راستا، گفت‌وگوهایی با اساتید دانشگاه‌های مختلف در رشته‌های معماری، شهرسازی و جامعه‌شناسی ترتیب داده شد که با هدف حساس کردن افکار عمومی نسبت به تعریف کیفیت و ضرورت توجه به آن در موضوعات مختلف، گزیده‌ای از گفته‌های ارزشمند این افراد در ادامه ارائه می‌گردد.



دکتر سعید معیدفرد
دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و مشاور اجتماعی وزیر راه و شهرسازی

در حال حاضر متولیان جدید به این نتیجه رسیده‌اند که نوسازی کالبدی کافی نیست و بایستی این مداخله با توجه به ابعاد کیفی زندگی، تمناها و گرایش‌ها با حیات جامعه هم‌سازگاری داشته باشند. مضافاً اینکه بدون مشارکت جامعه محلی این نوع مداخلات می‌تواند نوعی بی‌حسی و نوعی چانه‌زنی تحقیرآمیز برای جامعه محلی ایجاد کند. اگر در فرآیند بهسازی بافت مداخله همه‌جانبه و صحیح صورت گیرد، جامعه محلی علاوه بر اینکه در ابعاد فرهنگی و اجتماعی ارتقا پیدا می‌کند، می‌تواند شانه به شانه تحولات در جامعه، حرکت رو به جلو داشته باشد.



دکتر مهدی حجت
دکتری معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

واژه «کیفیت» در ساده‌ترین مفهوم خود انتقال از وضع موجود به وضعیت مطلوب‌تر است. پس پرداختن به ماهیت این واژه مستلزم شناخت وضع موجود و برقراری پیوند با وضعیت مطلوب در ایران است. چراکه ابعاد واژه کیفیت و رویه آن عمل در هر جامعه متفاوت بوده و ایجاد «کیفیت» نیازمند شناخت مولفه‌های بومی آن جامعه است که ابعاد نظری و جنبه‌های عملی موضوع «کیفیت‌بخشی» را به یکدیگر نزدیک کند. من فکر می‌کنم باید واقع بینانه به کیفیت نگریست.



دکتر مصطفی بهزادفر

دکتری طراحی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران

مدیریت‌های اجرایی، تصمیم‌گیرنده‌ها، سازنده‌ها و حتی بهره‌وران همگی باید از مفاهیم، واقعیت‌ها، ارزش‌ها و اهمیت ویژگی‌های کیفی محیط بیرونی و همگانی در توسعه و رشد جامعه در تمام عوامل آگاهی یابند. علاوه بر این آگاهی، گریز از قطعیت‌نگری و جزمیت‌نگری‌ها - که به هر دلیلی اعم از گزینش رویکرد اشتباه، کج‌اندیشی و غرض شخصی ایجاد می‌شوند - به همراه کوشش برای تعریف، تبیین و تدوین رویه‌های نسبتاً مشترک که مورد پذیرش همگان در جامعه تخصصی باشد از اهم اقدامات جهت فرهنگ‌سازی و آموزش جمعی است.



دکتر ناصر فکوهی

دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و مدیر سایت رسمی انسان‌شناسی و فرهنگ

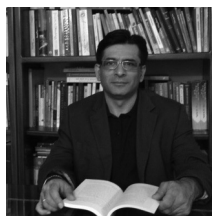
شناخت شهر از دریچه قدرت، به مفهوم تبیین نقشه هژمونیک شهر است که در آن مرکز و پیرامون به مثابه نظام‌های مشروعیت دهنده به توزیع نابرابر قدرت و ثروت عمل می‌کنند. زمان و مکان بدین وسیله سلسله‌مراتبی می‌شود و سهم اقشار محروم به طور عام روزمرگی در ابتدایی‌ترین معنای آن است؛ یعنی تکرارهای زمانی و مکانی و فقدان معنا و قابلیت تفسیرپذیری و تغییر خلاق. حاشیه‌نشینی به نوعی، شکل حاد و نهایی این فرایند است که از یک سو، خود گونه‌ای روزمرگی را تبیین می‌کند که در آن به غایت خروج از زمان و مکان رسیده‌ایم و از سوی دیگر نوعی از خوانش شهر را که می‌تواند خرده‌مقاومتی زنده را نیز بسازد، مشخص می‌نماید. در استراتژی‌های شهری، هر چند نمی‌توان روزمرگی را کنار گذاشت، اما می‌توان روزمرگی را از تحمیل هژمونیک و سراسربینی فوکویی تا حدی آزاد کرد.



دکتر مجتبی رفیعیان

دکتری برنامه‌ریزی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

عرصه‌های عمومی اگرچه به صورت مستقل ارزش‌آفرینی نمی‌کنند، اما اگر در یک شبکه به هم پیوسته و مستقل قرار بگیرند نوعی هم‌افزایی در نظام کارکردی آنها ایجاد می‌شود. این شبکه‌ها دانش محلی تولید کرده، به فرآیند یادگیری متقابل در محله کمک می‌کنند، سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی را تحریک کرده و می‌توانند نوعی بازتولید ارزشهای اجتماعی را در فضا میسر سازند.



دکتر پویا علاءالدینی

دکتری برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌گذاری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

برای ارتقای کیفیت زندگی اقشار مختلف، باید نسبت به مسائل شهر، نگاهی کل‌نگر داشت و برای هر محله، برنامه مناسب برای آن محله را تهیه کرد تا با کنار هم قرار گرفتن موزاییکی این محله‌ها، در مجموع بتوانیم کیفیت شهر را ارتقا دهیم.



دکتر کیومرث ایراندوست

دکتری برنامه‌ریزی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان

اولین شرط بازآفرینی، درک حقیقت و پذیرش واقعیت سکونتگاه غیررسمی است. با برنامه‌ریزی در طرح‌های فرادست، آمایش سرزمین و نظایر می‌توان مانع از ایجاد سکونتگاه‌های غیررسمی شد، اما زمانی که سکونتگاه شکل گرفت، باید آن را پذیرفت. همچنین باید توجه کنیم که ما بازآفرینی را به مسائل کالبدی آن هم به گونه‌ای ناقص تقلیل داده‌ایم و در یک سکونتگاه غیررسمی بسته به اینکه کجا می‌توان مداخله انجام داد، وارد عمل می‌شویم و نه به این دلیل که کجا نیازمند مداخله هستیم.



دکتر جهان‌شاه پاکزاد

دکتری طراحی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی



دکتر کامران ذکاوت

دکتری طراحی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

برای تغییر و مداخله در هر جزء از موجود پیچیده‌ای مانند شهر، نیاز به ارزیابی‌های مداوم اقدامات است و با یک دید نخبه‌گرایانه و آمرانه نمی‌توانیم انتظار «موفقیت» و «تکامل» طرح‌هایمان را داشته باشیم. هر اقدام و عملی در نهایت باید با هدف ارتقا توانایی‌های انسانها و شکوفایی بیشتر آنها صورت گیرد. هر چند این هدف بدون تعامل با مردم و شناخت خواست‌ها، نیازها، توانایی‌های آنها و صرفاً با یکسری اقدامات کالبدی مقذور نمی‌گردد.

خلق کیفیت و ایجاد حس مکان اتفاقی نیست و نیازمند انطباق همزمان نیازها با فرصت‌ها، تامین بستر اعتباری و طراحی موضعی و مکانی به کمک سیاست‌های طراحی است. بازآفرینی شهری در بافت‌های تاریخی قبل از اینکه اقدامی مداخله‌گر باشد نیازمند رویکردی امپریک و تحلیل‌گر است که به کالبد تاریخی به عنوان یک میراث فرهنگی و یک فرصت نوزایی شهری می‌نگرد. ساکنین باید درگیر مشارکت، سکونت، اشتغال و سرمایه‌گذاری شوند. سکونت و اشتغال توأمان محتوای «معیشت» را معنا می‌بخشند؛ امری که موجب ایجاد تعلق و وابستگی به مکان می‌گردد.



مهندس مروارید قاسمی اصفهانی

کارشناسی ارشد معماری و طراحی شهری، مدرس دانشگاه هنر تهران



دکتر سید حسین بحرینی

دکتری برنامه‌ریزی و طراحی شهری، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

مسئله اساسی این است که ما در تلاشیم که حتی کیفیت را هم با سنجه‌های کمی ارزیابی نماییم، یعنی ابعاد مختلف کیفیت را اعتبار از هم جدا می‌کنیم و همین موضوع جداکردن ابعاد مختلف کیفی، باعث شده دسته‌ای از روابط حیاتی که سازنده مقوله کیفیت به عنوان یک کل وحدت یافته است از هم گسسته شوند و در نتیجه مقوله کیفیت به اجزا و پاره‌های مجزایی تقلیل پیدا می‌کند. ما در حقیقت به دنبال این هستیم که بیشتر را جایگزین بهتر کنیم و در شرایطی که در حال حاضر فرهنگ عمومی سهم‌خواهی هم بر تمام فعالیت‌های ما حاکم است و فعالیت‌های ما به سمتی می‌روند که ما فعالیت را بیشتر کنیم و نه الزاماً نتیجه بهتری حاصل شود، این مسئله چالش بیشتری را بر می‌انگیزد.

پایداری یک برنامه بازآفرینی شهری تنها با تکیه بر اقدامات خرد مقیاس می‌تواند محقق شود. پایداری اگر بخواهد در کل کره زمین اتفاق بی‌افتد، باید از هر فرد، هر واحد مسکونی، هر کوچه و هر محله آغاز شود. طبق دستور کار ۲۱ هرچقدر مقیاس اقدامات خردتر شود، تحقق‌پذیری آن بیشتر و تاثیرگذاری آن بر سطح کلان عمیق‌تر خواهد بود. اقداماتی که از بالا تحمیل می‌شود نه تنها نیازی را مرتفع نمی‌سازد، بلکه ممکن است به نتیجه معکوس ختم شود. به بیان دیگر پایداری باید با وجود افراد عجین شود و به طرز تفکر و شیوه رفتاری خاص در آنها بدل گردد.